

بی‌شک سپاه در دوران دفاع مقدس و سال‌های پس از آن، در پاسداری از انقلاب اسلامی نقشی بی‌نظیر و ستودنی داشته است. از حضور در عرصه کارزارهای تاریخی هشت سال دفاع مقدس تا عرصه صیانت از نظام در دوران جنگ نرم، در این بین نهاده نامیدگی ولی فقیه در سپاه به دلیل شرح وظایف خاص خود، جایگاهی ویژه و درخور توجه دارد که البته کمتر به آن پرداخته شده است.

**حجه الاسلام والمسلمین سعیدی** که خود از یاران قدیمی و پیشکسوت سپاه است، در نخستین روزهای هفته دفاع مقدس پذیرای‌مان شد تا هم یادی از دفاع مقدس کنیم و هم به برخی از مسائل روز بپردازیم. آنچه می‌خوانید متن گفت وگوی کیهان با نماینده محترم ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

**به عنوان نخستین پرسش، درباره نقش نمایندگی ولی فقیه در نهاد ارزشمند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ضرورت وجود این نمایندگی توضیحاتی بیان کنید.**

در خصوص ضرورت و با نقش نمایندگی ولی فقیه در سپاه باید عرض کنم که این ضرورت و اهمیت تابعی است از رسالت سپاه و نقش سپاه در عرصه انقلاب اسلامی. در بسیاری از کشورها نیروهای مسلح پاسداری از مرزها و تأمین ارتضی را برعهده دارند اما سپاه یک ویژگی دارد که آن را از سایرین متمایز می‌کند و آن این است که وظیفه اصلی سپاه، محافظ از انقلاب و حراست از دستاوردهای آن است. انقلاب یک موجود زنده، متحرک، فعال، پیشرو و پیشرونده در تمامی عرصه‌هاست. هم حفظ انقلاب‌ها مهم است و هم انقلابی بودن افراد اهمیت دارد. امام باقر(ع) می‌فرمایند: حفظ عمل از اصل عمل مهم‌تر است. یعنی اینکه هم حفظ انقلاب مهم بود و هم انقلابی بودن و حفظ رفتار انقلابی حائز اهمیت است.

**یعنی معتقدید بدون حفاظت از انقلاب، احتمال انحراف پدید می‌آید؟**
– بله ما شاهد افول بسیاری از انقلاب‌ها بودهایم. انقلاب کبیر فرانسه دچار یک انحطاط شد و ۱۰۰ سال گرفتار بحران‌های شدیدی شد تا توانست آرام آرام مسیر خود را پیدا کند. انقلاب اکتر شوروی دچار انحرافات شدیدی شد. انقلاب الجزایر اگرچه از مساجد برخاسته بود ولی یکروز هم امکان حاکمیت دین و مذهب در این کشور را فراهم نکرد.

در مصر هم شاهد بودیم که علی‌رغم تلاش تمامی انقلابیون و برگزاری چند مرحله انتخابات اما در نهایت انقلاب از مسیر خوشی خارج شد، به همین جهت اصل انقلاب اهمیت دارد اما حفظ انقلاب از اصل آن مهم‌تر است. در انقلاب‌های توحیدی نیز همین اصل ساری و جاری است. به عنوان مثال انقلاب موسی‌بن عمران(ع) در ایجاد بسیار خوب بود و توانست به پیروزی‌های چشمگیری دست یابد اما به جهت عدم پایبندی به اصول و مبانی، انقلاب از مسیر اصلی‌اش خارج شد و قرآن کریم می‌فرمایند: «خودشان باعث این انحراف شدند».

لذا در انقلاب ما باینان قانون اساسی آمدند و یک نهادی را پیش‌بینی کردند که مسئولان‌ردهای انقلاب اسلامی حفظ و پاسداری کنند. البته پاسداری از انقلاب تنها منحصراً به سپاه نیست. اولین و مهم‌ترین رسالت رهبری هم همین است و سپاه مجری تدابیر رهبری است و در واقع سپاه در راستای تدابیر و منوات رهبری برای حراست از انقلاب تلاش می‌کند تا روحانیت، علما و مراجع به نوع دیگر؛ نقش پاسداری از کیان اسلام و انقلاب اسلامی را برعهده دارند.

**چه ویژگی‌هایی در یک پاسدار باید وجود داشته باشد تا بتواند پاسدار انقلاب باشد؟**

– برای اینکه سپاه بتواند رسالت خود را به نحو احسن انجام دهد می‌باید از خصوصیات زیادی برخوردار باشد. یکی از آنها بحث معنویت است. به تعبیر مقام معظم رهبری «معنویت باید تا مغز استخوان هر پاسدار نفوذ کند» چرا که معنویت است که مهم‌ترین عامل ثبات و استقامت انسان‌ها در عرصه‌های سخت و طاقت‌فراست. همین معنویت مردم و معنویت ایشان در صدر اسلام بود که موجب موفقیت آنها شد. قرآن کریم تأکید می‌کند که معنویت از همین اثر و نور فرماید: اگر ۳۰ صوبت ایمان، صبر و بصیرت را داشته باشید توانتان ۱۰۰ برابر می‌شود اولین خصوصیت معنویت بود.

دومین ویژگی بصیرت است یعنی فهم جامع و کامل از روند انقلاب و شناخت خطرات و تهدیدات رعب انقلاب اسلامی. کسی که می‌خواهد از انقلاب پاسداری کند می‌باید همه جوانب را خوب بشناسد. هم معنویت خوب داشته باشد، هم معرفت خوب داشته باشد و هم بصیر باشد.

مسئله سوم ولایت‌مداری است و می‌بایست ولایت‌مدارترین افراد در سپاه باشند. دلیل آن هم این است که رهبری انقلاب، ولی‌فقیه و جانشین امام عصر(عج) بود و فرمانده کل قواست. یعنی سلسله مراتب سپاه مستقیماً به رهبری اتصال پیدا می‌کند.

بنابراین وجود یک نهاد در سپاه لازم بود تا این سه وظیفه را پیگیری کند. نهادی که در جهت تقویت بنیه معنویت، افزایش معارف دینی و آشناسازی با آخرین متغیرها و تحولات در جامعه، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای را برعهده دارد.

**فراز و فرودهای این نهاد از ابتدای جنگ تاکنون درحوزه مباحث فکری و نظارتی چگونه بوده است؟**

– البته این کارنامه و ارائه یک آینه تمام‌نمایی از عملکرد نمایندگی ولی‌فقیه مستلزم توجه به جوانب مختلف است ما در این فرایند، فراز و نشیب‌های فراوانی را شاهد هستیم. در شکل‌گیری اولیه، مراتب سپاه مستقیماً به رهبری اتصال پیدا می‌کند. می‌شود است. بخشی از آن برمی‌گردد به رشد تدریجی سپاه و به تبع آن رشد تدریجی نمایندگی ولی‌فقیه و بخشی دیگر برمی‌گردد به نوع تعامل میان فرماندهی و نماینده ولی‌فقیه. اما در مجموع اگر بخواهیم نمره‌ای را به نمایندگی ولی‌فقیه داده باشیم، می‌توانیم بگوییم سپاه موفقیت داشته است. در ۹۲ سال دفاع مقدس نقش نقش ۸۳ شهید، صانق(ع) در دوران جنگ تحمیلی که وظیفه آن شناسایی و جذب روحانیون و تربیت ایشان بوده غیرقابل انکار است. در بخش تقویت معارف دینی و ارتقای معنویت، بنده معتقدم که سپاه در حال حاضر در بهترین شرایط خود به سر می‌برد. ضمن آنکه امروزه با وجود وسایلی ارتباطی جامع و متنوع‌های جدید ماهواره و اینترنت شرایط با گذشته متفاوت است. علاوه بر اینکه در گذشته خود جنگ نقش بازدارندگی و سازندگی داشته است. به تعبیر حضرت آقا نهاد نمایندگی می‌باید جایگزین همان نقش بازدارندگی و سازندگی در جنگ باشد.

بحمدالله نمایندگی توانست در عرصه‌های مختلف تلاش کند. البته در این دوره اخیر نقش تعامل مثبت میان فرماندهی و نمایندگی ولی‌فقیه بسیار موفقیت‌آمیز بوده. کتب و نشریات متعددی در جهت تبیین مبانی ارزشی منتشر شده که همگی حاصل کار پژوهشکده ماست که سابقه‌ای ۲۷ یا ۲۸ سال دارد. الان در حدود ۱۲۰ پژوهشگر در حوزه‌های مختلف کارهای پژوهشی را برعهده دارند در دستور کار دارند و آثار بسیار گرانسنگی را تولید نموده‌اند یا در بخش آموزشی، دانشکده ما با بیش از ۲۵۰ سال سابقه درخشان، نیروها و مربیان بسیاری را تربیت کرده که از ارتقای کمی و کیفی آن به جهت تأمین نیازها در دستورکار قرار گرفته است.

بنابراین نمایندگی ولی‌فقیه به شهادت بسیاری از دستگانه‌های نظارتی هم چون ستاد کل؛ دفتر عقیدتی

سیاسی فرماندهی کل قوا و به شهادت خود فرماندهان، از توقیقات بسیار ارزشمندی برخوردار بوده و در حفظ و ثبات این مجموعه نیز بسیار نقش آفرین بوده است که از خطوط انحرافی و ضایعات احتمالی جلوگیری به عمل آورد.

**این مخصوص همین دوره شماس؟**

– البته رشد تدریجی را نمی‌تسود منکر شد. اما بنده خودم شاهد برخورد‌های بسیار هوشمندانه لیدرهای و محرم‌هم فاکر به جهت جلوگیری از نفوذ ضایعات و انحرافات به داخل سپاه بودام. یعنی حفظ سپاه برعهده نمایندگی ولی‌فقیه و حفظ انقلاب برعهده سپاه است. به تعبیر شهید محلاتی این بود که سپاه، پاسدار انقلاب است. نمایندگی ولی‌فقیه نیز وظیفه حفاظت و حراست از سپاه را برعهده دارد که این خود نقش بسیار مهمی بشمار می‌آید.

**اگر صلاح می‌دانید وارد حوزه جنگ شویم. از نگاه حضرت تعالی علل شروع جنگ چه بود و چرا یک کشور انقلابی همچون ایران مورد حمله قرار داد؟**

– معمولاً هر جنگی آغاز و پایانی دارد که هم آغازش علیه مردم و هم پایان آن براساس علل و عواملی خواهد بود. در تحلیلی در تاریخ ۳۱ شهریور ۵۹ آغاز شد و در مورخه ۲۹ مرداد ۶۷ پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به پایان رسید در مورد علل شروع جنگ دو دسته وجود دارد: یکی عوامل فرامطفاتی و دیگری عوامل منطقه‌ای.

حکمت در تقسیم آن عواملی توانست یکی از طولانی‌ترین جنگ‌ها را هم بریزد. جنگ ما ۱۵/۵ برابر جنگ جهانی اول، ۲ برابر جنگ جهانی دوم و ۴ برابر جنگ امریکا با کره‌شمالی زمان برد است اما عوامل فرامطفاتی را بنده به ۳ عامل تقسیم می‌کنم.

وزیر خارجه دولت کرد در تاریخ ۱۱/۹/۱۳۹۱ می‌گوید که سیاست اجرایی ما در قبال ایران عبارتست از: ۱- مسئله اول مسئله‌ها و اول مسئله‌ها داخلی ایران؛ دوم،

فروپاشی اقتصاد ایران و سوم تهاجم به مرزهای ایران به منظور براندازی.

در حقیقت معمولاً برای براندازی، جنگ و استفاده از شیوه‌های سخت‌افزاری به عنوان آخرین مرحله مورد توجه است اما در درانه انقلاب اسلامی ایران از همان ابتدا رویکرد نظامی را در دستور کار خود قرار دادند که شاید بتوان مهم ترین دلیل آن را

نویابی انقلاب و نیز شرایط داخلی ایران عنوان کرد.

**از این جنگ چه اهدافی را دنبال می‌کردند؟**

یک هدف جلوگیری از سقوط رژیم‌های وابسته به غرب. یعنی آمریکا می‌دانست با پیگیری نظام اسلامی ایران، جمهوری اسلامی می‌تواند همچون حرکت دیمونیو به تمام جهان گسترش یابد. این کشور با وجود اینکه به عنوان یک کشور توسعه یافته و صنعتی در جهان قرار دارد و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره بود.

صدام بود. مردم قرا دارد که ۱۹۷۵ با واقعات و برخلاف برخی الملیی پاره کرد و از آن برد. از این روی چه قصدی وجود داشت ویدی و پس از پیروزی و پس از مدتی چندین حمله را از سرگیری نکند. لذا ما برای حفظ نظام و انقلاب و کشور می‌باید جنگ را

تا بین بردن و دفع کامل فتنه ادامه می‌دیم.

عالم چهارم به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اهداف جبهه استکبار از سردران شعار صلح، گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی را، کشاندن ایران به پشت میز مذاکره